

# اوضاع اقتصادی قلمرو و خلافت عباسی

از پرفسور بلیایف

ترجمه عنایت‌الله رضا

آنچه از نظر خوانندگان گرامی میگذرد بخشی است از کتاب «اعراب، اسلام و خلافت اعراب در آغاز قرون وسطی» به‌خامه ا. آ. بلیایف E.A. Belyaiev دانشمند خاورشناس شوروی که چاپ دوم آن از طرف انستیتوی ملل آسیا وابسته به فرهنگستان علوم اتحاد شوروی به سال ۱۹۶۶ میلادی انتشار یافته است.

کتاب شامل مقدمه و پنج فصل است:

فصل یکم - عربستان و اعراب در سده‌های پنجم و ششم میلادی

فصل دوم - پیدایش اسلام

فصل سوم - خلافت

فصل چهارم - خلافت امویان

فصل پنجم - خلافت بغداد

فصل پنجم کتاب که ترجمه آن از زبان اصلی به تدریج در نشریه معارف اسلامی منتشر خواهد شد شامل دو بخش است:

بخش اول حاوی شرح کوتاهی از مآخذ تاریخی و جغرافیائی، کتابهایی که در باره خلافت بغداد نوشته شده و خلاصه فهرست‌واری از خلافت عباسیان در نخستین صدوپنجاه سال فرمانروائی آنان است.

بخش دوم درباره وضع اقتصادی خلافت بغداد و کشاورزی و بازرگانی قلمرو عباسیان است.

قصد نویسنده بیشتر شرح وضع اقتصادی دودمان بنی‌عباس بوده و در واقع بخش یکم این

فصل مقدمه‌ای برای بخش دوم آن است. علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی

## مآخذها:

مورخان و خاورشناسان جهت پژوهش تاریخ خلافت بغداد در نخستین صدوپنجاه سال فرمانروائی عباسیان بیشتر از آثار تاریخ‌نویسان عرب \* استفاده می‌کنند. در این زمینه کاملترین و معتبرترین مآخذ، تاریخ طبری است. ضمناً کتاب «الکامل فی التاریخ» ابن‌اثیر (۱۱۶۰-۱۲۳۳ میلادی) را می‌توان نام برد. نویسنده کتاب باتوانائی بسیار تاریخ طبری را تصحیح نموده و مطالبی نیز بر آن افزوده است. علاوه بر تاریخهایی که طبری و ابن‌اثیر نگاشته‌اند «کتاب العبر...» ابن‌خلدون

\* برخی از خاورشناسان «عرب» را نادرست مترادف «اسلام» بکار برده‌اند. نوشته بلیایف نیز خالی از این لغزش نیست (مترجم).

حائز اهمیتی بسزااست.

آثار جغرافی نویسان عرب جهت پژوهش فعالیت تولیدی قاطبه مردم قلمرو خلافت بغداد و گسترش مبادلات بازرگانی بین این اراضی و دیگر کشورها حائز اهمیت خاصی است. این آثار توسط دخویه در مجموعه ای بنام «Bibliotheca geographorum arabicorum» گرد آورده شده است. آثار ای. یو. کراچکوفسکی (I.U. Kratchkovsky) تحت عنوان «کتابهای جغرافیائی عرب» حاوی اطلاعات جامعی از این کتابهاست. ن. آ. مدنیکوف (N.A. Mednikov) نیز آثار جغرافی نویسان عرب را در مجموعه ای بنام «مآخذ عربی در باره فلسطین از ابتدای تسخیر آن توسط اعراب تا زمان جنگهای صلیبی» بزبان روسی ترجمه و منتشر نموده است.

«کتاب الخراج» که راهنمای فرمانروایان و کارکنان دستگاه دولت و مالیه بوده نیز همانند مآخذ تاریخی حائز اهمیت بسزائی است. «کتاب الخراج» ابویوسف یعقوب الانصاری (۷۳۱ - ۷۹۸ میلادی) توجه بسیاری از خاورشناسان جهان، از جمله محققان شوروی را به خود معطوف داشته است. این کتاب حاوی یادداشتها و گزارشهایی به هارون الرشید خلیفه عباسی است که میکوشید سیستم مالیاتی در هم آشفته و بسیار بغرنج قلمرو خود را سامانی بخشند. نویسنده این یادداشتها در زمان مهدی، هادی و هارون الرشید خلفای عباسی امام فقیه و قاضی القضاة شهر بغداد بود. او شاگرد محبوب و ادامه دهنده نظرات ابوحنیفه بنیادگذار یکی از چهار مذهب اهل سنت و از فقیهان بزرگ و معتبر اسلامی بوده است خصائل اخلاقی ابویوسف نشانه آن است که وی نمیتوانست مردی بی نظر و بی غرض باشد. ابویوسف یعقوب مردی جاه طلب بود و بخاطر پیروی بی چون و چرا از سه خلیفه فوق الذکر توانست مدتی دراز در مقام خود باقی و پایدار باشد. او با تردستی فراوان از دانش و آگاهی بسیار خویش در فقه اسلامی

هر عملی را که خلیفه میکرد درست و مبری جلوه میداد و از این رهگذر سالیان دراز در مقام خویش باقی بود. مطالب «کتاب الخراج» ابویوسف بسیار جامع و متنوع است. مؤلف کتاب قبل از هر چیز از شکلهای مختلف وصول و تسادیه مالیات سخن گفته و بدین مناسبت مالکیت و طرز استفاده از زمین را به مراتب متفاوت منقسم ساخته است. نظرات مؤلف آمیخته به اغراض و تعصبات است. او مانند همه اهل سنت سیر پیشرفت مناسبات ارضی دوران خود را به زمان پیامبر (ص) و عمر بن الخطاب نسبت میداد و از دیگر خلفا تنها از عمر بن عبدالعزیز خلیفه اموی یاد نمود. او جهت اثبات مدعای خویش به «احادیث» توسل می جست و تردید در صحت آنرا مردود و گناه می شمرد. متخصصان اروپائی تاریخ قرون وسطی بامیل و رغبت وافر از آثار ابویوسف استفاده نمودند، ولی تاکنون هیچیک از آنان نسبت به نوشته های او برخورد علمی و نقادانه نداشتند.

فانیان محقق فرانسوی در ترجمه «کتاب الخراج» ابویوسف بزبان فرانسه که تنها از چاپ شرقی کتاب بود، یادداشتهای جالبی بر حاشیه نگاشت<sup>۱</sup> قسمت هائی از «کتاب الخراج» ابویوسف توسط ن. آ. مدنیکوف<sup>۲</sup> و آ. یو. یاکوبوفسکی<sup>۳</sup> از عربی به روسی برگردانده شده است.

مآخذ دیگر «کتاب الخراج» یحیی بن آدم است. نسخه عربی این کتاب در هلند به اهتمام «بین بول»<sup>۴</sup> عرب شناس هلندی به سال ۱۸۹۶ به چاپ رسیده و به سال ۱۹۵۸ توسط بن شمش<sup>۵</sup> به زبان انگلیسی ترجمه شده است.<sup>۶</sup>

در باره تاریخ خلفای بغداد تاکنون کتابها و مقالات علمی و پژوهشی بسیار و دارای کمیت و کیفیت مختلف برشته تحریر کشیده شده است. در هر يك از کتابهای مربوط به تاریخ عرب نیز چند فصل به شرح خلافت بغداد اختصاص یافته است. عمده ترین کتابی که در این

1) Abou Yousuof Ya'koub, Le livre de l'impôt foncier (Kitâb alkharâdj) traduit et annoté par E. Fagnan, Paris, 1921.

2) N.A. Mednikov.

3) A.U. Jakobovsky.

4) Juynboll.

5) Ben Shemesh

6) «Taxationi islam» Vol I. Yahya ben Adame's Kitab al-kharaj, ed., translated and provided with an introduction and notes by A. Ben Semesh. With a foreword by Prof. S.D. Goitein, Leiden 1958.



باره در غرب انتشار یافته کتاب «تاریخ فرهنگ شرق در دوران فرمانروائی خلفاء» است که آ. کرامر<sup>۷</sup> آنرا نوشته است.

این کتاب پر مضمون و معتبر حاوی اطلاعات جالبی از تاریخ اقتصادی و اجتماعی دوران خلافت است و تاکنون نیز معتبر باقی مانده و مورد تأیید اهل تحقیق است.

کتاب «متفکران اسلامی» نوشته کارادود<sup>۸</sup> و «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی اسلامی» به خامه روبن لوی که چاپ دوم آن «سازمان اجتماعی اسلام»<sup>۹</sup> نام یافت. چه از لحاظ مضمون و چه از لحاظ سطح پژوهش علمی از کتاب آ. کرامر ضعیف‌تر است. ولی این کتابها شامل اسناد و مدارکی است که میتواند مکمل اثر برجسته و ارزنده کرامر باشد.

جرجی زیدان تحت تأثیر کتاب آ. کرامر و با استفاده وسیع از مطالب آن کتاب «تاریخ التمدن الاسلامی» را به زبان عربی نگاشت. فصل چهارم این کتاب توسط مرگلیوت به زبان انگلیسی برگردانده شد.

آثار دو دانشمند بزرگ روس ن. آ. مدنیکوف N.A. Mednikov متخصص رشته عرب‌شناسی و آ. آ. واسیلیف<sup>۱۰</sup> متخصص تاریخ یزانیس (روم شرقی) دارای ارزش علمی بسزائی است. کتاب مدنیکوف Mednikov تحت عنوان «فلسطین از ابتدای تسخیر آن توسط اعراب تا زمان جنگهای صلیبی» علاوه بر ترجمه‌هایی از مآخذ تاریخی و جغرافیائی عرب حاوی اطلاعاتی درباره خلافت بغداد و پژوهشهایی از وقایع سیاسی و جنگهایی است که در سوریه و مصر رخ داده است. کتاب «بیزانیس و عربستان» اثر آ. آ. واسیلیف

A.A. Vasilyev شامل دو قسمت است:

(۱) «روابط سیاسی بیزانیس با اعراب در دوره پادشاهان آموری»<sup>۱۱</sup> که به سال ۱۹۰۰ میلادی به چاپ رسید.

(۲) «روابط سیاسی بیزانیس با عربها در دوره پادشاهان مقدونی» که به سال ۱۹۰۲ به چاپ رسید.

در هر یک از این دو قسمت به عنوان دیباچه ترجمه روسی قطعاتی از مآخذ عربی که مؤلف ضمن پژوهشهای خود از آن استفاده نموده آورده شده است.

کتاب و. و. بارتولد<sup>۱۲</sup> تحت عنوان «جهان اسلامی» که به سال ۱۹۲۲ نوشته شد تا امروز نیز یکی از آثار پژوهشی عمده بشمار است. ولی کتاب «تاریخ و ادبیات عرب» اثر آ. ی. کریمسکی<sup>۱۳</sup> که به سال ۱۹۱۱ نوشته شد و ترجمه کتاب آلمانی «تاریخ اسلام» نوشته آ. مولر<sup>۱۴</sup> که به سال ۱۸۹۵ از چاپ خارج گردید، ارزش و اهمیت خود را از دست داده‌اند.

از کتابهای علمی دیگر که حاوی مطالب و اطلاعات

قابل توجه است. فصول کتاب «تاریخ فرهنگ عمومی»<sup>۱۵</sup>

که در فرانسه به چاپ رسیده و کتاب «اعراب و تاریخ»<sup>۱۶</sup>

به قلم برنارد لوئیس و «عظمت اسلام»<sup>۱۷</sup> نوشته گاستون

دایت رامیتوان نام برد. کتابهای خارجی درباره نخستین

دوره تاریخ خلافت بغداد باندازه بررسی‌های عمومی از

«تاریخ‌های اعراب» و پژوهشهای علمی که در این زمینه

صورت گرفته غنی نیست. بهترین کتاب در این رشته

پژوهش آ. کرامر است که در کتابی تحت عنوان «درباره

در آمد بودجه دولت عباسیان»<sup>۱۸</sup> منتشر گردیده است.

کتاب دیگری که درخور دقت و شایان توجه است، اثری

است به قلم سوردل تحت عنوان «وزارت در دوره

عباسیان از سال ۷۴۹ تا سال ۹۳۶ میلادی»<sup>۱۹</sup>. آثار

7) A. Kramer, Culturgegeschichte des orienten unter den Chalifen, Bd I-II, Wien, 1875-1877.

8) Carra de Vaux, Les penseurs de l'Islam t I-V, Paris, 1921-1929.

9) R. Levy. An introduction to the Sociology of Islam, Vol. 1-2, London, 1931-1933, «The Social structure of Islam», Cambridge, 1937.

10) A.A. Vasilyev.

11) Amory

12) V.V. Bartold.

13) A.I. Krimsky.

14) A. Müller

15) «Histoire générale des civilisations», Publiée sous la direction de M. Grouzet, Vol III, Paris, 1955.

16) B. Lewis, The Arabs in history, London, 1950.

17) G. Wiet. Grandeur de l'Islam de Mohamet à Francois 1-er, Paris, 1961.

18) A. Kremer, Uber das Einnahmebudget des Abbasidenreiches, Denkschr. d. Wien. Akad., Ph. hist, Kl. XXXVI, 1888.

19) D. Sourdel, Le vizitat abbaside de 749 à 936, t. I-II. Institut Français de Damas, 1959-1960.



لسترنج نیز حاوی اطلاعات تاریخی، جغرافیائی و اقتصادی از دوران خلافت بغداد است.

برخی از کتابهایی که با مضامین نیمه علمی توسط خاورشناسان اروپا نوشته شده، از جمله کتاب «وقایع نامه بغداد» نوشته ر. لوی ۲۱ نیز درخور توجه است.

مقالات یفان مولر ۲۲ و سوداژه ۲۳ نیز که در این زمینه نوشته شده حاوی اطلاعات سودمندی است.

مقاله‌هایی که در مجلدات یکم تا چهارم «دایرة المعارف اسلامی» (چاپ دوم مجلدات یکم و دوم) آمده نیز شایان دقت است. بسیاری از مقاله‌ها، بخصوص مقالاتی که در چاپ یکم آمده، نظیر مقاله «برمکیان» نوشته بارتولد (جلد یکم ص ۶۸۰-۶۸۲) از نظر پژوهش علمی و تاریخی بسیار عمیق و ارزنده و حاوی آگاهی‌های جالبی است. گرچه «دایرة المعارف اسلامی» حاوی مقاله‌هایی از خاورشناسان برجسته خارجی است، با اینهمه، همه مقاله‌ها دارای ارزش علمی بسیار نیست. در این دایرة المعارف مقاله‌های ضعیف و سرسری از قبیل مقاله «عباسیان» (چاپ دوم جلد یکم ص ۱۵-۲۳) نیز هست.

آثار چاپ شده مورخان عرب در سده معاصر نیز که جهت خوانندگان عرب و مسلمان تدوین شده مورد استفاده خاورشناسان اروپا و آمریکا قرار گرفته است. اکثر این کتابها علمی و جهت استفاده عموم است و اغلب بر پایه کتابهای علمی محققان اروپای باختری نوشته شده است. به عنوان نمونه میتوان کتاب «تاریخ الاسلام العام» تألیف دکتر علی ابراهیم حسن را نام برد. نویسنده کتاب ضمن ذکر مدارک نظامی و سیاسی، بیشتر به برخی پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی زمان آغاز فرمانروائی عباسیان توجه داشته است.

کتاب «ضحی الاسلام» نوشته احمد امین زبان‌شناس، مورخ و فولکلوریست شهیر مصر بسیار پر مطلب‌تر است. در سه فصل این کتاب پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی دوران خلافت بغداد تا پایان

سده نهم میلادی طبق معمول بر پایه نظر اصالت تصویری نگاشته شده است. مؤلف ضمن بررسی‌های خود به تعداد بسیار زیادی از مآخذ عربی تکیه میکند؛ ولی بررسی و نتیجه‌گیری به شیوه اروپائیان در نوشته‌های او نامشهود است. کتاب «عصر المأمون» نوشته احمد فریدالرفاعی که در سه جلد به سال ۱۹۲۸ در قاهره به چاپ رسید، حاوی اسناد و مدارک متنوعی است، اما ذکری از مآخذ به میان نیامده است. مؤلف که بازرس وزارت کشور بوده از بررسی و تحلیل اسناد و مدارک بسیار غنی که گردآورده خودداری ورزید و تنها به نقل آن اکتفا نمود. درباره برخی مسائل (از جمله سیاست مذهبی مأمون) خاموشی گزید و چنین بنظر میرسد که وی بحث در این مقوله را جایز نشمارده است.

جای آن است که از دو کتاب تاریخی دیگر که بزبان عربی نوشته شده یاد گردد مؤلفان این دو کتاب جهت بررسی اجتماعی وقایع تاریخی کوشش فراوان مبذول داشتند. یکی از این دو کتاب «من تاریخ الحركة الفکرية فی الاسلام» است که بندلی جوزی آنرا نوشته و دیگری کتاب «العرب والتطور التاريخي في الشرق الاوسط»، چاپ حیفا است که به قلم امیل توما ۲۴ استاد فقید دانشگاه دولتی آذربایجان در باکو است.

پژوهشهای متخصصین تاریخ قرون وسطی و عرب‌شناسان شوروی نیز در مجموعه‌هایی بنام «تاریخ شرق در قرون وسطی» («خلافت و شرق نزدیک») نوشته ب. ن. زاخودر ۲۵ (مسکو سال ۱۹۴۴)، «تاریخ عالم» (جلد سوم مسکو، سال ۱۹۵۷)، «تاریخ کشورهای خارجی مشرق» (مسکو، سال ۱۹۵۷) و نیز یکرشته مقالات در دایرة المعارف شوروی به چاپ رسیده است. آ. یو. یاکوبوفسکی A.A. Jakobovsky مخصوصاً به پژوهش برخی مسائل مربوط به تاریخ خلافت بغداد پرداخت. این دانشمند بزرگ فصول بسیار ارزنده و پر مضمونی را برشته تحریر کشید که یکی «ایران در دوران خلافت اعراب» و دیگری فصولی از کتاب «تاریخ

20) Guy le Strange. Baghdad during the Abbasid caliphate from contemporary Arabic and Persian sources. Oxford, 1900.

21) R. Levy, A Bagdad cronicle, Cambridge, 1929.

22) «Handbuch der Islam — Literatur von prof. G. Pfannmuller», Berlin — Leipzig, 1923.

23) Souvaget, Interduction à l'histoire de l'Orient musulman. Eléments de bibliographie Edition refondue et complétée par Cl. Cahen. Paris, 1961.

24) Amil Toma

25) B.N. Zakhoder



ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی» است. این کتاب توسط عده‌ای از مورخان نوشته شد و به سال ۱۹۵۸ توسط دانشگاه لنینگراد به چاپ رسید.

### قلمرو خلافت عباسی:

در نخستین صد و پنجاه سالی که از خلافت عباسیان گذشت، نتوانستند سرزمینی را که در فرمان خلفای بنی‌امیه بود نگاهدارند. پیش از همه آن قسمت از شبه جزیره پیرنه (اندلس عربی و یا اندلس) که بدست اعراب مسخر گشته بود، از بغداد فرمان نپذیرفت. در این سرزمین غنی و با فرهنگ فرمانروائی امویان که بنیادگذار آن امیر عبدالرحمن یکم بود همچنان پایدار ماند. عبدالرحمن یکم در اواخر سده هشتم میلادی به سبب بی‌گردد خلفای بنی‌عباس، به المغرب الاقصی (اراضی کنونی مراکش) گریخت. مغرب الاقصی به سال ۷۸۸ میلادی به تصرف امام شیعیان<sup>۲۶</sup> و بنیادگذار سلسله مستقل ادریسیان درآمد که از سال ۷۸۸ تا سال ۹۸۵ بر آن دیار فرمان راندند. به سال ۸۰۰ میلادی ابراهیم بن اغلب حاکم و نماینده عباسیان در مغرب (شمال آفریقا) دولت مستقلی پدید آورد و سلسله‌ای بنام اغلبیان بنیاد نهاد

(۸۰۰-۹۰۹ میلادی).

بدین ترتیب حدود سده نهم میلادی که تشکل خلافت بغداد بمثابه دولتی اقطاعی به انجام رسید حکومت عباسیان به شاهنشاهی ایران در پایان دوره ساسانیان شباهتی تام یافت. زیرا به هنگام پادشاهی خسرو دوم نیز سوریه، فلسطین و مصر در قلمرو شاهنشاهی ایران بود. مرکز سیاسی دولت عباسیان نیز بغداد بود که نزدیک تیسفون پایتخت ساسانیان بنا گردید. عراق که استانهای غربی ایران و نیز قفقاز و آسیای میانه با آن رابطه‌ای بسیار نزدیک داشتند اهمیت اقتصادی فراوان یافت. عباسیان به خلاف بنی‌امیه سیاست تصرف اراضی دیگران را در پیش نگرفتند. ولی به سال ۷۵۱ میلادی بین سپاهیان عرب و ختانیان کنار رود تالس در آسیای میانه پیکاری در گرفت که در آن ختانیان مغلوب گشتند. تصادمات جنگی با ترکان در کناره دشتهای آسیای میانه جنبه تدافعی داشت. پیکار اعراب با بیزانس (روم شرقی) که در شمال سوریه، آناتولی و بین‌النهرین رخ میداد نیز به همین گونه بود و کمتر کار به تسخیر سرزمین‌های وسیع میکشید.

## اوضاع اقتصادی قلمرو خلافت عباسی

### کشاورزی

در نخستین سده فرمانروائی عباسیان (نیمه دوم سده هشتم و نیمه اول سده نهم میلادی) امور تولید، مبادله و فرهنگ در قلمرو بغداد پیشرفتی بسزا یافت، با توجه باین نکته مهم باید دانست که پیشرفت مذکور (بخصوص در زمینه فرهنگ) جنبه نسبی داشته است. بی‌گمان سطح تولید و مبادلات نسبت به دوران خلافت بنی‌امیه بالاتر رفت و پرجنب و جوش‌تر گشت. ولی با اینهمه نسبت به سطح تولید و مبادله کشورهای خاور نزدیک و میانه در سده‌های دهم و یازدهم میلادی نازل‌تر بود. و. و. بارتولد خاطر نشان ساخته که «خلافت تا مرحله سقوطش دولتی وحشی و جابر بوده و تصور نمیرود آن رشد فرهنگی که بغداد و اصفهان و سایر

شهرهای عمده جهان اسلامی به داشتنش شهره گشته بودند، در ابتدای خلافت عباسیان آغاز شده باشد...»<sup>۱</sup> کشاورزی بر پایه آبیاری مصنوعی، رشته عمده تولید بشمار میرفت. در عراق و بخصوص جنوب آن سواد کشاورزی بسط و توسعه فراوان یافت. در اینجا محصول غله فراوانی بدست می‌آمد و باغداری و پرورش نخل پیشرفتی بسزا داشت. در عراق و سرزمین همجوار آن، ایران، در امر کشت پنبه و نیشکر توفیق فراوان حاصل گشته بود. در دشتهای بین‌النهرین که پس از بالا آمدن آب دو رود بزرگ آن سرزمین، آب تا مدتی باقی می‌ماند، کشت برنج رونق بسیار یافت. علاوه بر عراق و جنوب غرب ایران، مصر (بخصوص ناحیه حاصلخیز دلتا) نیز از لحاظ کشاورزی بر پایه سیستم

۲۶) محمد بن ادریس که از منصور عباسی گریخته به مغرب اقصی‌نانه برده بود از نوادگان حسن بن علی (ع) امام دوم شیعیان است. او بنیادگذار دودمان ادریسیان در شمال آفریقا است. (مترجم)  
۱) و. و. بارتولد V.V. Bartold خلفا و سلاطین، - «جهان اسلام». جلد یکم. شماره ۲ سال ۱۹۱۲ ص ۲۱۴ و ۲۱۵.



آبیاری، سرزمینی پیشرفته محسوب میشد. در اینجا علاوه بر غله، مقدار معتنا بهی کتان بدست می آمد. سوریه که ریحان و برتری گذشته را از دست داده بود. گرچه هنوز فاقد اهمیت نبود، معینا در مقام مقایسه با عراق و ایران و مصر که در اقتصاد و خلافت بغداد نقشی پیشرو بر عهده داشتند، سرزمین درجه دوم شمرده میشد.

در اکثر کشورهای شرق (از جمله قلمرو خلافت). کشاورزی تنها در صورت آبیاری مصنوعی اراضی میسر است. اعراب مثلی دارند که میگوید. جانی که آب نیست، انتهای زمین است. مقصود آنستکه زمینی که دائماً آبیاری نشود، از نظر دهقانان بی ارزش است و باوجود صرف مساعی و زحمات بسیار ثمری نمیدهد. کشاورزان نمی توانستند به نزول باران امیدوار باشند. در برخی از کشورهای خاوری بارانهای کوتاه مدت بتدرت دیده میشود (گاه چند سال متوالی باران نمی بارد) و در بعضی دیگر باران بشکل سیلاب فرو می بارد و اغلب بجای آبیاری، قشر فوقانی خاک را با خود می برد. بدین جهت در دوران فرمانروائی دولتهای برده داری در خاور نزدیک و میانه سیستم نسبتاً بفرنج و مجهزی جهت آبیاری ساخته شده که تحت نظارت حکومت بوده است. این سیستم در دوران فرمانروائی خلفای بغداد نیز تاحدودی باقی بود. بدیهی است تاسیسات آبیاری طی هزاران سال، بارها در نتیجه هجوم قبایل کوچ نشین و جنگهای خانمانسوز که به سقوط دودمانها منجر می گشت، دستخوش ویرانی گردید. ولی همواره با نیروی خستگی ناپذیر زحمتکشان این تاسیسات باز احیا میشدند. زیرا بدون آن کشاورزی نامیسر بود.

به هنگام روی کار آمدن عباسیان تاسیسات آبیاری عراق تنزل و انحطاط یافته بود. این ویرانی و انحطاط نموداری از وضع بسیار دشوار اجتماعی و اقتصادی و حاصل شورشها و جنگهای پیایی در دوران خلافت بنی امیه بوده است. عباسیان از آغاز خلافت منصور نه تنها از نظر مالی دولت، بلکه از لحاظ اجتماعی ناگزیر از توجه به امر تولید مکرر بودند. افزایش تولید مایه ارتقاء سطح زندگی مردم (بخصوص کشاورزان) میشد و از نارضائی و تحریک مزمن و ممتد آنان که در دوران

خلافت امویان شدتی فراوان داشت جلوگیری بعمل می آمد. دولت عباسیان به امور کشاورزی بخصوص احیاء و بهبود سیستم آبیاری مصنوعی توجه فراوان ابراز میداشتند. اجرای این برنامه نسبتاً آسان بود. زیرا بیشتر مزارع از آن دولت بود و کشاورزان بلاواسطه از دستگاه دولت تبعیت داشتند. احیاء امور آبیاری عبارت بود از لایروبی کانالهای قدیمی و کشیدن کانالهای جدید. توسعه شبکه آبیاری در پیشرفت کشاورزی و توسعه مساحت کشتزارها و افزایش بهره دهی آن اثری سریع و فوری داشت.

حکمرانان عباسی بیشتر به افزایش تولید کشاورزی در عراق توجه داشتند و سی درصد در آمد خزانه خلفا از این راه تأمین میشد.

در دوران خلافت بنی امیه تولید کالا از رونق افتاد. اما در زمان عباسیان باز رونقی یافت و به موازات آن میزان خراج نیز فزونی گرفت. ولی چه بسا در نتیجه غارتگری مأموران خراج میزان بهره دهی زمین کاهش فراوان می یافت و گاه محصول تماماً از میان میرفت.

کمی آب و طغیان دوشط بزرگ (بخصوص طغیان رود سرکش دجله) کشاورزی عراق را دچار خسارات بسیار مینمود و چه بسا موجب نابودی دامها و کشاورزان و ویرانی خانهها می گشت. از این جهت سدبندی ضرور مینمود. مردم دیه های کرانه این دو رود بزرگ جهت سدبندی گوشش بسیار کردند. تنها در جنوب سوادکه پیوندگاه دو رود بزرگ دجله و فرات بود به کشاورزان ناحیه کمک هائی مبدول می گشت. همه روزه به هنگام بالا آمدن آب خلیج فارس، مانع بزرگی جهت جریان آب شط العرب پدید می آمد و در نتیجه آب رود نیز بالا میرفت و به ساحل میریخت و باغها و تاکستانها و نخلستانها را فرا میگرفت. ولی پس از فرو کشیدن، قشری از خود باقی میگذازد که موجب حاصلخیزی فراوان زمینهای این ناحیه می گشت.

تکنیک کشاورزی و آبیاری در سطحی بسیار نازل بود. چرخ، یکی از وسائل فنی عمده آبیاری بشمار می رفت. به این چرخها آبکش هائی از چرم نصب میکردند و با حرکت چرخها این آبکشها بر آب میشدند و آب از این آبکشها به ناودان میریخت و کشتزارها



را مشروب میساخت. در حرکت این چرخها از گاو نر یا شتر استفاده میشد. زمان باستان نیز این شیوه در عراق و سوریه مرسوم بود و از «معجزه‌های» فنی زمان خود بشمار میرفت. آبیاری با استفاده از چرخهای دستی آبکش طریقه‌ای بسیار معمول و متعارف بود. در مصر از زمان فراعنه ضمن استفاده از شیوه ارشمیدس که در یونان باستان مرسوم بود، چرخهای دستی آبکش نیز در آبیاری بکار میرفت.

ابزار کار کشاورزان ابتدائی بود، در همه جا از بیل، چنگال و داس به همان شکلی که از هزاران سال ودست کم از دوران سومریان و زمان بنای اهرام مصر باقی مانده بود، استفاده میشد. وضع خاک نیز بطوری بود که نیازی به شخم عمیق نداشت.

کسی به فکر تکامل ابزار کشاورزی و تسهیل کار کشاورزان نبود. یکی دیگر از علل عمده عقب ماندگی ابزار کار کشاورزان استفاده وسیع از کار بردگان در کشاورزی و آبیاری مصنوعی مزارع در دوران خلافت بنی امیه بود. در دوران خلافت عباسیان ارزش تولیدی برده کاهش پذیرفت. در امور بسیار دشوار کشاورزی، از جمله آبیاری اراضی بایر و زه‌کشی باتلاقها و پاک کردن شوره‌زارها و نیز در استخراج نمک و فلز از کار برده‌گان استفاده میشد. دیگر از علل عمده عقب ماندگی تکنیک کشاورزی آن بود که کشاورزان سودی در افزایش تولید نداشتند. همه محصول اضافی و چه بسا بخشی از محصول مورد نیاز کشاورزان بعنوان خراج و بهره مالکانه گرفته میشد.

بیشتر اراضی از آن دولت بود. در اراضی دولتی بهره به صورت مالیات ارضی توسط مأموران خراج از کشاورزان گرفته میشد. گرد آوردن مالیات چه بسا با ستمکاری فراوان مأموران خراج نسبت به کشاورزان مسکین و ناآگاه آن زمان همراه بوده است. گاه شماری رسمی بر پایه گاهنامه‌های هجری قمری بود، اما مالیات ارضی بر اساس گاهنامه‌های خورشیدی و فصول سال اخذ میشد. مأموران خراج با استفاده از ناهم‌آهنگی گاهنامه رسمی با گاهنامه نجومی خورشیدی، حيله و تزویر بکار میبردند و سالیانه دوبار از کشاورزان مالیات میگرفتند.

خلفای عباسی مردم ستمدیده و کشاورزان را زیر فشار مالیاتهای سنگین قرار میدادند و تا زمانی که عکس العمل مردم ناراضی آنان را به هراس نیفکنده بود، همواره بر تزییقات خود می‌افزودند. در دوران خلافت منصور از کشت‌زارهایی که مالیات بر آن تعلق میگرفت (این اراضی بیشتر از آن دولت بود) بهره و مالیات یا بر حسب مقیاس‌های جنسی و نقدی و یا صرفاً جنسی اخذ میشد. علاوه بر این کشت‌زارهایی بود که بر حسب قرارداد از کشاورزان آن مالیات گرفته میشد. جز از زمین‌هایی که خراج بر آن تعلق میگرفت، اراضی وجود داشت که از طریق ارث به کشاورزان رسیده بود. از این اراضی به میزان ده یک مالیات گرفته میشد. زمین‌های خلیفه و اعضای خاندانش و برخی از شخصیت‌های عالیمقام و نیز اراضی موقوفه که درآمد آن در اختیار روحانیان قرار داشت، از پرداخت خراج معاف بود. جانشینان منصور در افزایش میزان خراج از زمین تلاش بسیار نمودند و کوشیدند تا مالیات نقدی را جایگزین خراج جنسی سازند. این تلاش‌ها در دوران خلافت هارون الرشید فزونی گرفت و وضع خراج‌دهندگان خراب‌تر شد. اما خزائن خلفا از زر و سیم پرگشت و امیران و حاکمان ثروت فراوان یافتند. به هنگام خشکسالی، کمبود محصول و یا ویرانی کشت‌زارها (که نتیجه هجوم ملخ و یا طغیان رودخانه‌ها بود) بازهم کشاورزان ناگزیر از پرداخت خراج مقرر بودند. علاوه بر این بر حسب بهای محصول در بازار نیز از کشاورزان مالیات نقدی اخذ میشد.

دولت نه تنها مالک زمین، بلکه مالک آب نیز بود. بنابراین مقداری مالیات از کشاورزان در مقابل آبیاری مزارع گرفته میشد. مالیاتی که کشاورزان بابت استفاده از آب‌های متعلق به دولت خلفا می‌پرداختند حدود نیمی از محصول بود ولی اگر کشاورزان خود از سرچشمه‌های آب متعلق به دولت تا کشت‌زارهای خود کانال میکشیدند، آنگاه میزان مالیات تا یک چهارم تقلیل می‌یافت.

ابویوسف خلیفه را معتقد ساخته بود که مالیات باید بدون کم و کاست اخذ گردد. سزاوار دستگاه خلافت نیست که حتی یک نامسلمان را بی‌جزیه و خراج به خود واگذارد. دولت نباید نسبت به آنان گذشتی از خود نشان

دهد و از میزان جزیه و خراج بکاهد. مأموران اخذ جزیه نیز نباید نسبت به پیروان سایر مذاهب روی موافق نشان دهند و بدون واریزی و شمارش تعداد مالیات دهندگان، پیشنهادشان را در مورد پرداخت مالیات بپذیرند. از اینجا چنین برمی آید که مواردی وجود داشته است که مأموران مالیات با اخذ رشوه از مالیات دهندگان از میزان خراج و جزیه می کاستند و خزانه خلفا را دچار خسران می ساختند. از منابع دیگر نیز پیداست که رشوه در آن زمان رواج فراوان داشت و وسیله مناسبی جهت کاهش میزان مالیات بشمار میرفت.

ابویوسف در عین حال مخالف گرفتن مالیات از مسکینان و بیماران و پیران و مخالف ستمگری نسبت به کسانی بود که قدرت پرداخت مالیات نداشتند. از اینجا میتوان دریافت که اینگونه اعمال غیرقانونی در قلمرو خلافت رواج بسیار داشته است.

این امام و فقیه بغداد مخالف ایراد ضرب و شتم بر اهل ذمه و وصول جزیه و خراج از این طریق بود. او بر آن بود که «باید با آنان به ملایمت رفتار کرد و تازمانی که وام خویش را نپرداخته اند در زندان نگاه داشت». او به خلیفه توصیه میکرد تا فرمان دهد که با اهل ذمه «غیر عادلانه رفتار نکنند و آنان را نرنجانند و مزاحمشان

نگردند، و بیش از حدی که قانون معین داشته از آنان مالیات نگیرند، چه این اعمال مغایر قوانین اسلامی است». ۲. هدف عمده توصیه های نوع پرورانه این امام و فقیه بزرگ جلوگیری از شورش هائی بود که خلافت بغداد را هر لحظه به لرزه می افکند. سیاست به سره کشی ظالمانه سبب ناخشنودی کشاورزان شد و آنان اغلب به هنگام خلافت هارون الرشید دست به شورش و عصیان میزدند. بدین جهت به هنگام خلافت مأمون در سال ۸۲۰ میلادی احکامی که گاه «قوانین مأمون» نامیده میشود صادر گردید که در آن حداکثر میزان مالیات از دوسوم محصول تجاوز نمیکرد. علاوه بر کشاورزی، دامپروری نیز از لحاظ اقتصادی اهمیتی بسزا داشت. دامپروری نه تنها از نظر تأمین گوشت و شیر، بلکه از نظر کشاورزی و آبیاری و تأمین پیشه وران از لحاظ مواد خام نیز واجد اهمیت بسیار بود. در امور دامپروری پرورش شتر مقام خاصی داشت. مبادله کالا بین استانها و شهرها با کاروانهایی از اشتران صورت میگرفت که قادر بودند مسافت بسیار درازی را به پیمایند.

[ناتمام]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی